



بررسی دو اثر منتسب به نجم دایه

علی صفری آق قلعہ

نسخه N.F. 371 کتابخانه ملی وین (Flügel 1963) مجموعه‌ای از منتخبات چندین اثر فارسی است. آشنایی پژوهشگران ایرانی با این نسخه از روی فهرستی می‌باشد که فلوگل از مندرجات آن در فهرست کتابخانه مذکور نوشته است. بنا بر آنچه فلوگل نوشته است، این مجموعه دارای منتخباتی از مرصادالعباد و همچنین دو اثر دیگر از نجم دایه است که دستنویسهای هر دو اثر منحصراً به همین مجموعه می‌باشد.

در میان پژوهشگران ایرانی، نخستین بار زنده‌یاد مجتبی مینوی در مقدمه‌ای بر رساله عشق و عقل (نجم‌الدین رازی، به کوشش تقی تفضلی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ش [چ ۱: ۱۳۴۵ش]، صص ۳۲-۳۳) به این دو اثر اشاره کرده‌اند. بر پایه نوشته مرحوم مینوی، یکی از این دو اثر، منتخبی است تلفیق شده از دو کتاب حسرةالملوک و تحفة‌الجبیب؛ و اثر دیگر، کتاب سراج‌القلوب است که به دیگران نیز منسوب شده و استاد مینوی با بررسی رونویس دیگری از متن (نسخه OR.1231 موزه بریتانیا) انتساب آن را به نجم دایه نادرست دانسته‌اند.

پس از استاد مینوی، زنده‌یاد دکتر محمدمین‌ریاحی در مقدمه مرصادالعباد (نجم رازی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ش [چ ۱: ۱۳۵۲]، ص ۵۰) و مقدمه رساله الطیور (رتبة‌الحیات و رساله الطیور، از خواجه یوسف همدانی و نجم‌الدین رازی، تهران، توس، ۱۳۶۲ش، ص ۹۲) از این دو اثر یاد کرده‌اند و اشارات ایشان در هر دو مقدمه مبتنی

بر آگاهیهای مستخرج از فهرست فلوگل است. نویسنده این سطرها چندی پیش هنگام بررسی تصاویر نسخه‌های موجود در مرکز پژوهشی میراث مکتوب، دریافت که تصویری از نسخه مورد گفتگو در مرکز موجود است (به شماره ۱۵۲). این امر مایه بسی شادمانی گشت و نگارنده را به بررسی مندرجات نسخه واداشت.

در این بررسی لازم بود تا روشن شود که انتساب این آثار به نجم دایه تا چه اندازه پذیرفتنی است و لذا بایسته بود تا این آثار با نوشته‌های اصیل نجم دایه مقایسه شود. تجربه نشان داده است که در آثار یک نویسنده معمولاً شعرها و همچنین احادیث مشترکی دیده می‌شود. به‌ویژه در روزگاری که دانشمندان به یادکرد حدیثی نمی‌پرداختند مگر اینکه آن حدیث نزد ایشان «درست» می‌شد. بنابراین، ما بررسی خود را با مقایسه شعرها و احادیث منتخب حسرةالملوک و تحفة‌الجبیب (در: صص ۹۴-۹۶پ نسخه) با مرصادالعباد آغاز کردیم. این مقایسه نشان داد که نویسنده این منتخب، شعرهای متن را انداخته است؛ اما با بررسی حدیثها روشن شد که این بخش از نسخه در واقع رونویسی از فصل دوم از باب پنجم مرصادالعباد (برابر با صص ۴۳۲-۴۳۳ چاپ ریاحی) است.

آنچه موجب شناسایی نادرست اثر توسط فلوگل شده، یادداشتی بدین قرار است که در صدر اثر نوشته شده است: «کتاب تحفة‌الملوک هم از مصنفات شیخ‌الاسلام و المسلمین شیخ نجم‌الدین رازی است و در مرصادالعباد مذکورست تا واضح باشد؛ و در بالای آن نوشته شده: «کتاب حسرةالملوک و تحفة‌الجبیب شیخ نجم‌الدین دایه از هر دو انتخاب کرده شد؛ و گویا فلوگل در شناسایی خود به همین یادداشتها بسنده کرده است. استادان مینوی و ریاحی نیز به نسخه دسترسی نداشته‌اند و ناگزیر به نقل نوشته فلوگل پرداخته‌اند؛ وگرنه این مطلب برای بزرگان چون مینوی و ریاحی به نگاهی دانسته می‌بود.

درباره سراج‌القلوب نظر استاد مینوی را در رد انتساب آن به نجم دایه پیش از این یاد کردیم و باید گفت که نظر ایشان درست می‌نماید و به دشواری می‌توان سبک این نوشته را همسان با سبک نوشته‌های نجم دایه دانست. نثر کتاب سراج‌القلوب ساده بوده و میزان به‌کارگیری واژگان فارسی در آن بسیار است در حالی که نوشته‌های نجم دایه دارای نثری پخته‌تر، پیچیده‌تر و آمیخته با اصطلاحات

متصوفه است و شمار واژگان فارسی به کار رفته در آنها کمتر از سراج‌القلوب می‌باشد. در جای‌جای آثار نجم دایه با آیات، احادیث و اشعار فارسی رویاروی می‌شویم در حالی که نویسنده سراج‌القلوب اهل بیت گویی نیست و از آیات و احادیث نیز کمتر استفاده کرده است.



در اینجا یادکرد یک نکته بایسته می‌نماید و آن اینکه متن مندرج در نسخه وین با چاپ اخیر از سراج‌القلوب (منسوب به ابومنصور سعید بن محمد قطان غزنوی، به کوشش نامیر کارا خلیلوویچ، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۴ ش) دگرگونی‌هایی دارد. متن انتقادی آن چاپ با پایه قرار دادن نسخه OR.1231 موزه بریتانیا — یعنی نسخه مورد بررسی مرحوم مینوی — تصحیح شده است و شواهد نشان می‌دهد که متن مندرج در نسخه مذکور دچار دستکاری‌هایی شده است؛ چنانکه بخش آغازین از دیباجه کلیله و دمنه بهرامشاهی در سرآغاز آن درج شده است. البته مصحح در مقدمه خود (ص ۳۹) یادآور شده است که: «هر نسخه‌ای [از این اثر] تقریباً حکم یک تحریر مستقل را دارد»؛ بنابراین باید دید که نسخه مورد گفتگوی ما با کدام نسخه‌های این متن همسانی دارد. برای مقایسه دو تحریر، عباراتی را از متن چاپی (ص ۷۷) در توصیف «کوه قاف» می‌بینیم:

«وهب ابن منبه گوید که: از پس کوه قاف خدای

تعالی زمینی آفریده است و چندانی فرشته که از انبوهی ایشان اگر سوزنی بیندازی بر زمین نرسد. و هر فرشته‌ای علمی دارد از نور و بالای هر علمی چهار فرسنگ و بر آن علم بنوشته: «لا اله الا الله و محمد رسول الله». و این کوه از ژاله است و سرد. اگر آن سردی ژاله بیش نبود، همه اهل دنیا از تف دوزخ بسوختندی. و چون شب آدینه آید، همه فرشتگان پس کوه قاف جمله شوند و گرد آن کوه ایستاده باشند و دعا و زاری می‌کنند که:

الهی! رحمت [کن] بر امت محمد علیه السلام و عذاب گور از ایشان برگیر و از دوزخ آزاد کن. چون صبح بدمد ایمن شوند ایشان که فردا قیامت نخواهد بود. آن گاه همه به یک بار آواز برآرند و گویند: ای بارخدای! بیمارز آن بندگان را که اندر این روز آدینه غسل آرند و به نماز آدینه حاضر شوند. چون ایشان [این] بگویند، ایزد تعالی مر جبرئیل را فرمان دهد تا مر ایشان را جواب دهد که ایزد تعالی می‌گوید: هر که از امت محمد علیه السلام به نماز آدینه حاضر گردد من وی را بیمارزم.»

همین حکایت در نسخه وین (ص ۹۹ پ) چنین نقل شده است:

«و مقاتل بن سلیمان در تفسیر خود چنان آورده است که: خدای تعالی در پس کوه قاف زمینی آفریده است سفید و پاکیزه و فراخی آن هفت بار از مشرق تا به مغرب و آن زمین پر از فرشته است و هر یکی علمی دارند به درازی چهل فرسنگ همه از زر سرخ و برانجا نوشته که «لا اله الا الله و محمد رسول الله». و هر شب آدینه در پایان کوه جمع شوند و به تضرع مشغول باشند از وهم که فردا قیامت باشد و امت محمد را از خدا درخواست کنند تا وقت صبح؛ بعد از آن بازگردند. حق تعالی جبرئیل را بفرستد تا ایشان را بشارت رساند که همه امت محمد را بخشیدم و بیمارزیدم.»

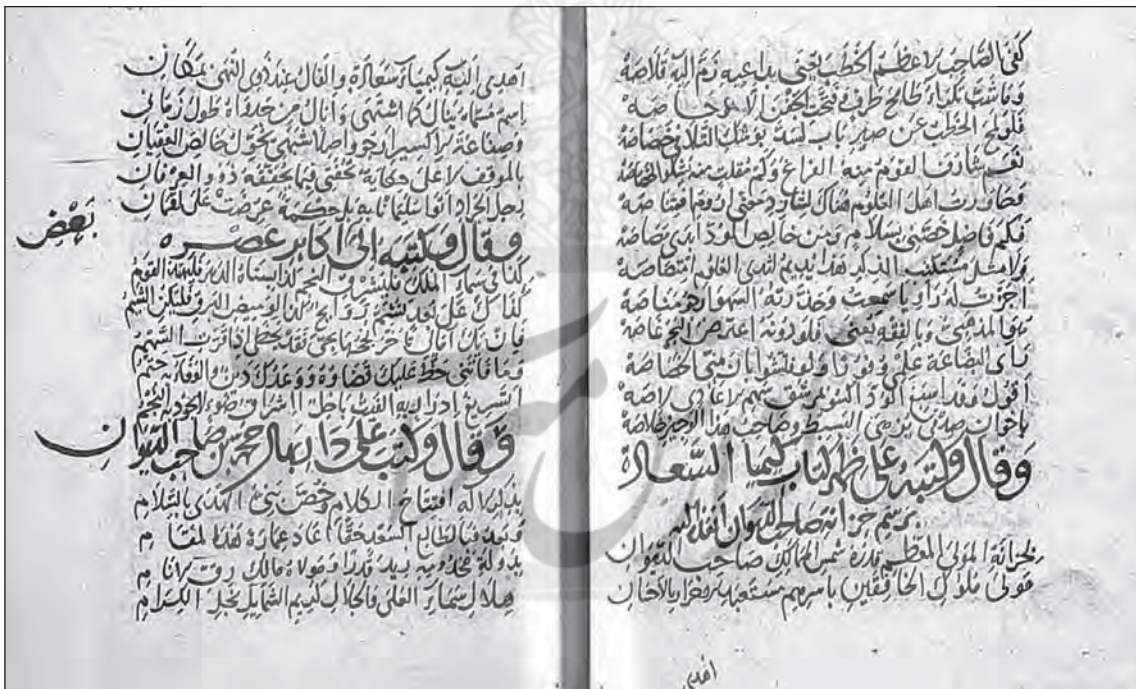
با توجه به اینکه آثار مندرج در نسخه وین همگی به صورت خلاصه کتابت شده‌اند می‌توان احتمال داد که سراج‌القلوب نیز چنین حکمی دارد؛ با وجود این باید بگوییم که اگر هم این نسخه حاوی خلاصه‌ای از متن مذکور باشد، این تلخیص از روی تحریر دیگری انجام شده است و هرکدام از این تحریرها دارای ویژگی‌های خود است و باید نسخه‌های تحریر نسخه وین نیز روزی مورد بررسی پژوهشگران قرار گیرد.



پشت نسخه

ع. ص «پشت نسخه» عبارت است از یک - یا دو - برگه نخستین نسخه که اطلاعاتی چون «نام اثر» و «نام نویسنده» را در آن ثبت می‌کردند. افزون بر این دو آگاهی اصلی، گاهی اطلاعاتی چون نام مالک یا سفارش‌دهنده نسخه را در آن می‌نوشتند. همچنین اگر نسخه برای خزانه کتب یکی از پادشاهان و بزرگان نوشته شده بود، در «پشت نسخه» عباراتی نوشته می‌شد حاکی از این که نسخه برای (به رسم) خزانه کتب وی نوشته شده است. این اصطلاح (پشت نسخه) به همین شکل در برخی متون کهن فارسی به کار رفته است. از جمله در کتاب

می‌بینیم. برای نمونه در منشآت شرف‌الدین علی یزدی (تصحیح استاد ایرج افشار و محمدرضا ابوثی مهریزی، تهران، ثریا، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۱۲) آمده: «بر پشت کتب کتابخانه پادشاه سعید: برسم خزانه کتب الشریفه لمن اصطفاه مالک الملوک جل و علا لخلافته فی الارض...» و باز در همان صفحه آمده: «بر پشت کتاب سلطان احمد گلبرگه رحمه الله: برسم خزانه کتب السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم شهاب الحق و الدنیا و الدین ابوالغازی احمد خلد الله تعالی فی مرضیه و سلطانه.» این اصطلاح دارای معادل مشهوری به زبان عربی - یعنی «ظهر» - است که در میان ایرانیان نیز رایج شده است. از جمله شواهدی که کاربرد اصطلاح «ظهر نسخه» یا «ظهر کتاب» را در متون پیشین تأیید می‌کند، عبارتی



شکل ۱

است که در یکی از مواضع دستنویس منشآت نظم و نثر قاضی نظام‌الدین (نسخه ۳۹۵۹ کتابخانه ایاصوفیا، مورخ ۷۳۸ق) دیده می‌شود. تصویر این صفحه را در (شکل ۱) می‌بینیم. چنانکه مشاهده می‌شود، در صفحه سمت

النقض (نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل قزوینی رازی، تصحیح میر جلال‌الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش، ص ۵) آنجا که نویسنده می‌خواهد از ناشناخته بودن نویسنده کتاب بعض فضایح الروافض اعلام دهد می‌نویسد: «و چون بر پشت مجموعه نام مصنف نبود و اصل معتمد از نام و لقب و نسب او اعلام گوید که کیست و غرضش از جمع این کتاب چیست...». این اصطلاح را در متون فارسی دوره‌های سپسین نیز

۱. بدیهی است که در مجموعه‌ها، صفحه عنوان دارای مشخصات آثار مجموعه خواهد بود. نیز توجه شود که صفحاتی چون بدرقه، فهرست نسخه و یا برخی صفحات سفید که در آغاز برخی نسخه‌ها وجود دارد شامل این تعریف نمی‌شود.

راست (ص ۱۶۶ پ) عبارتی بدین قرار نقل شده است: «و قال و كتبه على ظهر كتاب كيميا السعادة برسم خزانة صاحب الديوان انفضه اليه».

و پس از آن، این ابیات نقل شده است:
لخزانة مولى المعظم قدرد

شمس الممالک صاحب الديوان

مولى ملوک الخاقین بأسرهم

مستعبد الاحرار بالاحسان... الخ

چنانکه یاد کردیم، عبارتی چون: «لخزانة مولى المعظم...» جمله‌هایی است که در «پشت نسخه»‌های استنساخ شده برای خزانه کتب بزرگان نوشته می‌شد و این نشان می‌دهد که اصطلاح «ظهر» دقیقاً به مفهومی به کار رفته که مد نظر ما است.

آن — یعنی صفحه ۱۷۱ رو — عنوانی دیده می‌شود که آن را در نسخه پیشین نیز مشاهده کردیم و چنین خوانده می‌شود: «و كتبها على ظهر كتاب كيميا السعادة».

و در صفحه بعد از آن، همان ابیات پیش گفته درج شده که آوردن آن ضرورتی ندارد.

شیوه‌ای یکسان در نگارش پشت نسخه برخی دستنویس‌های کهن فارسی

چنانکه یاد کردیم، در پشت نسخه‌ها چند آگاهی اساسی ثبت می‌شد که در این میان، «نام اثر» اهمیت ویژه‌ای دارد. آنچه در ساختار ظاهری پشت نسخه برخی دستنویس‌های کهن فارسی دیده می‌شود این است که برای نوشتن عنوان اثر، واژه «کتاب» را با قلمی درشت، در بالای



شکل ۲

صفحه می‌نوشتند و سپس نام اثر را در زیر آن — معمولاً به قلمی ریزتر — کتابت می‌کردند. در این مورد معمولاً حرف «الف» از واژه «کتاب» را اندکی به سمت بالا می‌کشیدند و گاهی سعی می‌کردند تا این واژه را به گونه‌ای بنویسند که این «الف» در میانه صفحه قرار گیرد.

در شکل ۳ تصویر پشت نسخه کهن‌ترین دستنویس تاریخ‌دار زبان فارسی یعنی الابینه عن حقایق الادویه را می‌بینیم. چنانکه مشاهده می‌شود، واژه «کتاب» در بالای

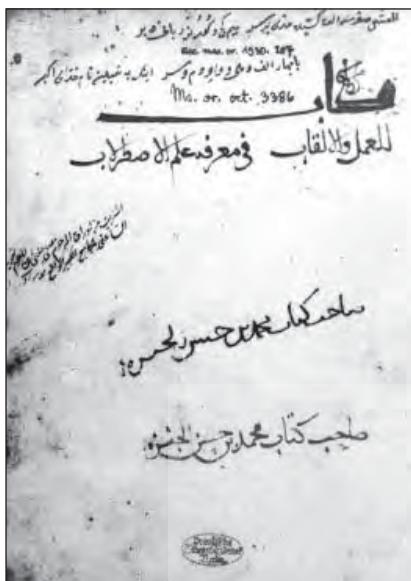
برای نمونه دیگر، در (شکل ۲) تصویر همان بخش را در دستنویسی دیگر از همان اثر (نسخه ۳۸۸۴ کتابخانه فاتح، مورخ ۷۰۹ ق) می‌بینیم. چنانکه مشاهده می‌شود، عبارت عنوان این بخش چنین خوانده می‌شود: «و كتبها على ظهر كتاب الوجيز اجازة لبعض افاضل تبريز».

و پس از آن، عبارتی (اجازه‌ای) که در پشت نسخه مذکور نوشته شده بود درج کرده‌اند. در صفحه روبه‌روی



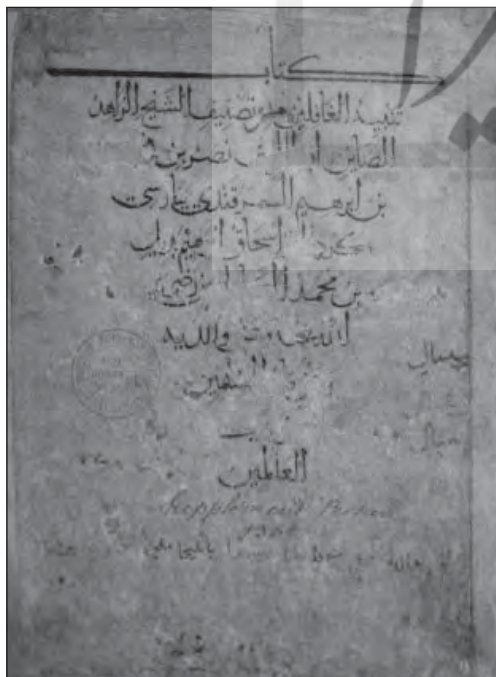
نگارش میراث

برای نمونه در شکل ۵ تصویر پشت نسخه دستنویس عمل و القاب (نسخه ۳۳۸۶ کتابخانه دولتی باربوش آلمان، مورخ ۵۵۸ ق) را می بینیم که دارای همان ساختار است.



شکل ۵

همچنین در شکل ۶ تصویر پشت نسخه دستنویس تنبیه الغافلین (نسخه شماره ۱۳۶۸ تکمله فارسی کتابخانه ملی پاریس، مورخ ۶۶۲ ق) را می بینیم. ساختار «پشت نسخه» این دستنویس نیز چنانکه می بینیم، بسیار شبیه به دو نسخه الابینه و ترجمان البلاغه است.



شکل ۶

صفحه نوشته شده و حرف «الف» نیز به سمت بالای صفحه کشیده شده است.

در شکل ۴ تصویر پشت نسخه دستنویس ترجمان البلاغه (دستنویس ۵۴۱۳ کتابخانه فاتح، مورخ ۵۰۷ ق) را می بینیم. این نسخه توسط ابوالهیجا اردشیر بن دیلمسپار النجمی القطبی الشاعر استنساخ شده است. می دانیم که اردشیر دیلمسپار، شاگرد اسدی طوسی بوده و اسدی در آغاز لغت فرس (نک: مقدمه نسخه این اثر در سفینه تبریز، ص ۶۱۳) اشاره دارد که کتاب را بنا به درخواست وی نوشته است. بنابراین شاید بتوان گفت که رابطه این دو کاتب، می توانسته در همسانی ظاهر دو نسخه مؤثر باشد اما - به صورت عمومی - چنین نیست و نسخه های دیگری را سراغ داریم که پشت نسخه آنها دارای همین ساختار است.



شکل ۳



شکل ۴